



سرمایه اجتماعی حلقه مفقوده در توسعه روستایی: رویکردی بر مدیریت مشارکتی روستایی

سیده فاطمه معزی^۱، راضیه نامدار^۲

چکیده

سرمایه اجتماعی در کنار سرمایه اقتصادی و سرمایه انسانی به مثابه متغیری تاثیرگذار در روند توسعه یافتگی شناخته شده است. اهمیت نقش سرمایه اجتماعی در روند توسعه جوامع شهری و روستایی مساله ای است که در سال های اخیر مورد توجه محققان قرار گرفته و به عنوان یکی از شاخص های توسعه در نظر گرفته می شود. از این رو هدف اصلی این مقاله تبیین جایگاه سرمایه اجتماعی در توسعه روستایی با تاکید بر مدیریت مشارکتی روستایی می باشد که به روش اسناد پژوهی انجام شده است. نتیجه بررسی های پژوهش، ارائه راهکارهایی جهت تحقق مدیریت مشارکتی روستایی می باشد که در پایان ارائه گردیده است.

واژه های کلیدی: سرمایه اجتماعی، توسعه، توسعه روستایی، مدیریت مشارکتی.

^۱ دانشجوی دکتری بخش ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه شیراز.

^۲ استادیار بخش ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه شیراز.



مقدمه

در دهه پنجم قرن بیستم، مدیریت مشارکتی به معنی "مشارکت افراد شایسته برای انجام شایسته کارها" به عنوان یک نگرش کاربردی در انگیزش کارکنان مطرح و به سرعت فراگیر شد. از آن زمان تا کنون تحقیقات بسیاری درباره اهمیت و نیز نتایج حاصل از مشارکت کارکنان در امور سازمان ها انجام شده است. مدیریت مشارکتی شیوه ای است که کلیه افراد سازمان را به صورت واحدهای زنده و متأثر از یکدیگر در نظر می گیرد. در این نوع مدیریت، مدیر علایق، آراء و پیشنهاد های کارکنان را مورد توجه قرار می دهد و آنان را با پشتیبانی مناسب به بهبود روش های انجام کار تشویق می کند. این سبک مدیریت، نیازمند برنامه ریزی بلندمدت و ایجاد تحولات مناسب رفتاری در کارکنان است. مشارکت افراد در کلیه امور سازمان باعث تقویت روحیه کارکنان و در نتیجه بهبود ارتباطات در سازمان و افزایش مهارت شغلی می شود که خود عامل مهمی در بهبود بهره وری است. کورت لوین در پژوهشی نشان داد هرگاه مردم در دگرگون کردن شیوه های انجام کاری مشارکت فعال داشته باشند، مقاومت و ایستادگی آنان در برابر دگرگونی کاهش و شوق و علاقه مندی آنان به تغییر و دگرگونی افزایش می یابد (سکاکی، ۱۳۸۷). مشارکت از دیرباز یکی از ابزارهای مهم زندگی انسان ها در عرصه های اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی بوده است. تاریخ سرزمین ما نیز شاهد مشارکت و مدیریت جمعی گسترده ((جوامع بومی و محلی)) در زمینه های مختلف اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی، سیاسی و نظامی بوده که این امر وجود همیاری و کارکرد مدیریت جمعی، در قالب سازمان های عرفی و اجتماعی جوامع محلی را قابل تعمق و تأمل می نماید (مالکی، ۱۳۶۹). با وجود زمینه های غنی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مشارکت، امروزه شاهد کارکرد ضعیف سازمان های مدیریت جمعی و مشارکت جوامع محلی در امور مربوط هستیم. وجود روش های بیگانه با فرهنگ و سنت جوامع محلی به عرصه های مختلف زندگی آن ها، موجب دگرگونی و تحولی سریع در مناسبات اجتماعی و روال سنتی مشارکت این جوامع در چند دهه اخیر شده است. در کشور ما تا قبل از مشروطیت، امور روستاها، با مشارکت گسترده مردم در چارچوب سنتی اداره می شد. بعد از مشروطیت تا قبل از اصلاحات ارضی نیز، با وجود تصویب قانون تشکیل ولایات (۱۲۸۴)، قانون کدخدایی (۱۳۱۴)، و اولین قانون عمران روستایی (۱۳۱۶)، مشارکت مردم، در مدیریت روستاها در سطح مناسبی بود (رضوانی، ۱۳۸۹). اما با انجام اصلاحات ارضی و قانون ملی شدن منابع طبیعی، سازمان اجتماعی و نظام مدیریتی حاکم بر منابع طبیعی در بین جوامع روستایی و عشایری که در چارچوب مدیریت نهادهای عرفی و سنتی اداره می شد، تضعیف گردید. با وجود تلاش های بسیار زیاد در قبل و بعد از انقلاب، حتی با تشکیل شوراهای اسلامی در سطح روستا، بخش و ... مشکلات و موانع اساسی برای مشارکت نهادهای جوامع محلی در فرایند تصمیم گیری، طراحی و اجرای طرح ها و برنامه های توسعه ای و اولویت دار آنان وجود دارد. اقدامات انجام گرفته، توسط سازمان های دولتی، غیر دولتی و بین المللی، در طرح های توسعه مشارکتی نیز که اغلب با سازماندهی و ایجاد تشکل های مردمی جهت دخیل کردن آن ها در امور توسعه ای انجام گرفته، سازوکارهای حمایتی لازم را از مشارکت نهادهای این سازمان ها، در مدیریت امور مربوط به جوامع محلی به وجود نیاورده و هنوز مشکلات عدیده ای از سوی صاحبان قدرت، در پذیرش رسمی و قانونمند سازمان ها و تشکل های جوامع محلی، جهت ایفای نقش، مشارکت نهادهای و برخوردار از قدرت و اختیار در مدیریت امور مربوط به آن ها وجود دارد (همان).

در روند نوین برنامه ریزی توسعه، مفاهیم برنامه ریزی هدایت شده و متمرکز که راهکار های آن صرفاً طراحی و اجرا از بالا به پایین بود، رنگ باخته و به کارگیری رویکردهای توسعه مشارکتی با تأکید بر نهادسازی محلی، استفاده از دانش بومی، درک و به کارگیری نظام های مدیریت عرفی و سنتی جوامع محلی در اجرای برنامه های توسعه اهمیت یافته است. چالش های موجود در این زمینه و اجرای برنامه های توسعه مشارکتی مختلف در جای جای کشور، حاکی از آن است که هر کدام از این طرح ها به نحوی سعی در دستیابی به الگوهای مدیریت مشارکت مدارانه در موضوع هایی همچون مدیریت مشارکتی منابع طبیعی از قبیل: آب، خاک، جنگل، مرتع، تالاب و به تبع آن ارتقاء سطح معیشت جوامع محلی دارند. بدیهی است، دستیابی به چنین الگوهایی مستلزم نگرشی نو به نهادهای موثر و موجود در بین جوامع محلی، ارتقاء مشارکت آن ها از طریق ایجاد حس مالکیت، توانمندی، انتقال قدرت تصمیم گیری، واگذاری اختیارات مدیریتی و اجرایی به سازمان های جوامع محلی می باشد. هدف اصلی این پژوهش ارائه پیشنهادهایی جهت دستیابی و به کارگیری الگویی از مدیریت مشارکتی در برنامه ریزی توسعه جوامع محلی است. این هدف با بررسی اسنادی و با تکیه بر مواردی همچون انجام گرفته است. اهمیت نقش سرمایه اجتماعی در روند توسعه جوامع مساله ای است که در سال های اخیر مورد توجه بسیاری از محققان قرار گرفته و به عنوان یکی از شاخص های توسعه در نظر گرفته می شود. تجارب متعدد کشورهای مختلف



حاکمی از این مساله است که صرف وجود سرمایه مالی و امکانات اقتصادی و منابع طبیعی نمی تواند به توسعه منتهی شود بلکه ترکیب مناسب از سرمایه های انسانی، فرهنگی و اجتماعی لازم است تا رویداد توسعه جامه عمل پوشد (قالیباف، ۱۳۸۹). دستیابی به توسعه، نیازمند بررسی راهکارهایی اساسی در جهت نیل به آن است. وجود منابع مختلف در جوامع توسعه نیافته، از زمینه های اساسی و مهم برای توسعه محسوب می شود. سرمایه اجتماعی در کنار سرمایه اقتصادی و سرمایه انسانی به مثابه متغیری تاثیرگذار در روند توسعه یافتگی شناخته شده است (الوانی و شیروانی، ۱۳۸۵). امروز سرمایه اجتماعی نقش بسیار مهمتر از سرمایه فیزیکی و انسانی در توسعه جوامع ایفا می کند و شبکه های روابط جمعی و گروهی، انسجام بخش میان انسان ها، سازمان ها و ... می باشد. در غیاب سرمایه اجتماعی پیمودن راه های توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی، ناهموار و دشوار می شوند. در دیدگاه های سنتی مدیریت، توسعه سرمایه اقتصادی، فیزیکی و نیروی انسانی مهمترین نقش را ایفا می کردند اما در عصر حاضر برای توسعه بیشتر از آنچه به سرمایه اقتصادی، فیزیکی و انسانی نیازمند باشیم به سرمایه اجتماعی نیازمندیم. و سرمایه اجتماعی به عنوان یک اصل محوری برای دستیابی به توسعه محسوب می شود. مدیران و کسانی که بتوانند در سازمان، سرمایه اجتماعی ایجاد کنند، راه کامیابی و سغلی و سازمانی خود را هموار می سازند (صالحی و میرعلیزاده، ۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی ریشه در ویژگی فرهنگی یک نظام اجتماعی دارد. به سخن دیگر، سرمایه اجتماعی چکیده فرهنگ اجتماعی یا سازمانی، پایه گذارده بر اعتماد و مشارکت افراد است (ازکیا و فیروزآبادی، ۱۳۸۲).

مفهوم سرمایه اجتماعی

با سه عنصر اصلی و شاخص شناخته می شود. در گرایش ها و تمایلات رفتاری به اعتماد و هنجارهای تمایل به کار گروهی و در بعد الگوی ساختاری به انجمن پذیری و مشارکت اشاره می کنند (Fuchs, ۲۰۰۲). اما اصل وجودی سرمایه اجتماعی، راه حلی است که از آن برای غلبه بر مشکلات اجتماعی گوناگون مانند فقر، اقتصاد عقب مانده و حکومت های کم بازده بهره می گیرند (Boix, ۱۹۹۸). تنها برخورداری از منابع مالی و نیروی انسانی نتوانسته جوامع را به سوی رشد و توسعه اجتماعی سوق دهد، باید رکن سوم نیز برای دستیابی به توسعه قائل شد و آن سرمایه اجتماعی است. در واقع میزان اثربخشی و کارایی دو منبع اول عمدتاً به میزان برخورداری از سرمایه اجتماعی بستگی دارد. از این گذشته سرمایه اجتماعی که در واقع ارزش ها و هنجارهای جامعه، استحکامات تعهدات متقابل بین افراد، گروه ها و تا حد زیادی مشارکت اجتماعی تامین می شود، حافظ جامعه و گروه ههای اجتماعی در بحران های سیاسی و اجتماعی اقتصادی است و می تواند از توقف در مرحله عقب ماندگی جلوگیری کند (مدنی کهفرخی، ۱۳۸۲).

سرمایه اجتماعی و توسعه

پژوهش های زیادی به رابطه میان سرمایه اجتماعی و پیامدهای مثبت در حوزه ها و سطوح گوناگون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و رفاهی توجه کرده اند. برای نمونه تحقیقات نشان داده اند که سرمایه اجتماعی با کارایی نهادی، افزایش سطح آموزش و رفاه، کاهش نزاع و درگیری، برتری اقتصادی افراد، بهبود وضع سلامت، اساس خوشبختی و اعتماد به حکومت و شکل گیری تشکل های بهره برداری از زمین به صورت موفق و کارا رابطه مستقیم دارد. از سوی دیگر سرمایه اجتماعی با حاکمیت خوب و کارایی اقتصادی نیز رابطه مستقیمی دارد. همچنین سرمایه اجتماعی با تندرستی، موفقیت پروژه های عمرانی و توسعه زمین مشترک و پتانسیل کنش جمعی در روستا، توسعه اقتصادی کشور، تسهیل موفقیت کنش، توسعه محلی و ملی و افزایش امید به زندگی، مشارکت مدنی و اجتماعی و همچنین رشد درآمد کشورها رابطه مستقیم دارد (Knack, ۲۰۰۲). رابرت پاتنام (۱۳۸۰) را می توان از پیشگامانی دانست که به رابطه میان توسعه منطقه ای و سرمایه اجتماعی توجه کرده است. او در مطالعه خود درباره مناطق کشور ایتالیا دریافت سرمایه اجتماعی مناطق را از نظر توسعه اقتصادی و عملکرد حکومتی توضیح داد. از نظر پاتنام سرمایه اجتماعی به معنای ویژگی های سازمان اجتماعی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه هاست که می تواند کارایی جامعه را با تسهیل کنش های هماهنگ بهبود بخشد. این مرور نشان می دهد که می توان از مفهوم سرمایه اجتماعی به عنوان یک متغیر مهم برای تبیین تفاوت های اقتصادی و اجتماعی میان سطوح فضایی مختلف، استفاده کرد. انتخاب سطح تحلیل بستگی به موضوعی دارد که محقق انتخاب کرده است. این سطح می تواند شامل کشور، منطقه، شهر یا مناطق روستایی باشد. توجه به رابطه میان سرمایه اجتماعی و سطوح تحلیل گوناگون در حال افزایش است (پاتنام، ۱۳۸۰).



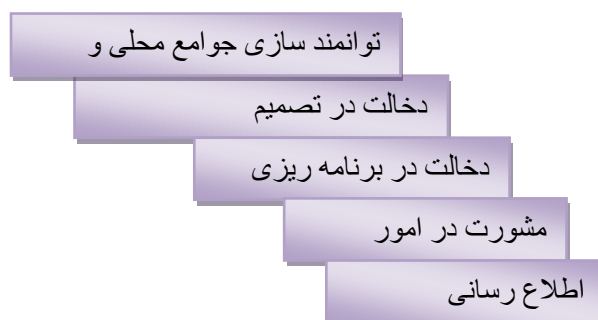
ازکیا و فیروز آبادی ددر پژوهش در منطقه کرخه، به سرمایه اجتماعی در انواع نظام های بهره برداری مبتنی بر تعلقات عشیره ای پرداخته اند. نتایج پژوهش آنان نشان می دهد که سرمایه اجتماعی در میان اعضای بیت به عنوان کوچکترین واحد اجتماعی شامل ۱۲ الی ۲۰ خانوار، نقش مثبت و تاثیرگذاری بر شکل گیری نظام های بهره برداری دارد. از سوی دیگر، سرمایه اجتماعی درون-بیتی در نظام های بهره برداری نقش موثری بر تصمیم گیری بهتر، اعمال مدیریت تولید به نحو مطلوب تر و افزایش میزان مشارکت های تولیدی بر عهده دارد. این شعاع اعتماد و هنجار معامله متقابل بین بیتی در سطح طایفه، بستر مناسبی برای برنامه ریزی و سیاستگذاری توسعه ای و شکل های تولیدی در بعد ارشادی، ترویجی و خدماتی فراهم نموده است (ازکیا و فیروزآبادی، ۱۳۸۲).

سرمایه اجتماعی همچون مفاهیم فیزیکی و سرمایه انسانی به ویژگی های سازمان اجتماعی از قبیل شبکه ها، هنجارها و اعتماد اشاره دارد که هماهنگی و همکاری برای کسب سود متقابل را تسهیل می کنند. سرمایه اجتماعی سود سرمایه گذاری در زمینه سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی را افزایش می دهد. در جامعه ای که از نعمت سرمایه گذاری چشم گیری برخوردار است، همکاری آسان تر است. سرمایه اجتماعی به عنوان یک منبع با مالکیت جمعی متعلق به محله، جوامع، مناطق و بخش ها بوده و می تواند متغیر، کوچک و بزرگ یا زیاد و کم باشد. مفهوم سرمایه اجتماعی با سه عنصر اصلی و شاخص معرفی می شود. در قالب گرایش ها و تمایلات رفتاری به اعتماد و هنجارهای تمایل به کار گروهی و در بعد الگوهای ساختاری به انجمن پذیری و مشارکت اشاره می کنند (پاتنام، ۱۳۸۰).

جدول ۱. سرمایه اجتماعی و مولفه های آن

سرمایه اجتماعی
عامل اول: توانمند سازی
عامل دوم: هویت سازمانی
عامل سوم: همکاری و نفع عمومی
عامل چهارم: تسهیم دانش و خلق سرمایه فکری
عامل پنجم: اعتماد و همبستگی
عامل ششم: مدیریت مشارکتی
عامل هفتم: آگاهی

در بررسی اسنادی چارچوب نظری تحقیق، مفاهیم و اصطلاحات مربوط به ادبیات توسعه مشارکتی در بین جوامع محلی، مدل ها و نظریه های توسعه روستایی مشارکتی از قبیل مهتما گاندی، ژولیوس نیرره، و.. مورد بررسی قرار گرفته است. سپس به سبب اهمیت موضوع مشارکت به بررسی تاریخچه، مفهوم و درجات مختلف مشارکت و رهیافت های کلی جلب مشارکت مردم پرداخته شده است. بر همین اساس درجات مختلف مشارکت جوامع محلی در طرح های توسعه مشارکتی که معمولاً از مرحله اطلاع رسانی تا توانمندسازی جوامع متغیر است در شکل شماره ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱. درجات مختلف مشارکت

بدیهی است که تحقق قوی ترین نوع مشارکت جوامع محلی در صورتی است که آنان در تمام مراحل چرخه معمول یک طرح که شامل ۵ مرحله ۱- تشخیص، تحلیل و تعیین طرح، ۲- برنامه ریزی و تصویب، ۳- اجرا، ۴- پایش و ۵- ارزیابی می باشد، مشارکت نمایند. شکل شماره ۲ چرخه معمول یک پروژه را نشان می دهد.



UNDP Empowering People: A Guide to Participation

معمولا در طرح های عادی در هیچ یک از مراحل فوق، مشارکت جوامع محلی خیلی مطرح نیست و همه مراحل توسط کارشناسان و مدیران انجام می گیرد و عموما به همان علت طرح ها با شکست مواجه می شود. ولی در یک طرح مشارکتی باید در تمام مراحل کار، نقش جوامع محلی به حداکثر برسد (موسسه توسعه پایدار و محیط زیست، ۱۳۸۷).

با توجه به این که استفاده از رویکردهای مشارکتی در طرح ها و برنامه های توسعه ای مورد توجه بسیاری قرار گرفته و به یکی از ارکان اصلی ادبیات توسعه مشارکتی تبدیل شده است، لذا تحقق این نوع از توسعه، در گرو همکاری و تعامل سازنده و مدیریت مشترک بین تمام گروه های ذینفع است. نهایتا طرح های مشارکتی زمانی به هدف های خود نزدیک می شوند که بین مردم و نهاد های سیاستگذار و برخوردار از امکانات مالی، نوعی جابهجایی قدرت صورت گیرد. ایجاد نظام های مدیریت مشارکتی نیز در بسیاری از مناطق نیازمند تغییرات عمیق و بنیادین است که در طی فرآیندهای خاص خود و در طی زمان میسر خواهد شد (Borrini, ۲۰۰۰).
۵. پیشنهادها و راهکارها در دستیابی به الگویی از مدیریت مشارکتی در برنامه ریزی توسعه جوامع روستایی با تاکید بر سرمایه اجتماعی

*انسجام اجتماعی

- تقویت روحیه جمعی، جلب مشارکت، اعتمادسازی و احساس تعلق به قلمرو و سرزمین در توده مردم
- احیاء و سازماندهی نهادها و تشکلهای محلی با تکیه بر ساختارهای مدیریت عرفی و اجتماعی قابل قبول مردم
- توجه به حضور معتمدین و رهبران محلی جوامع بومی و محلی در تشکل ها
- در نظر گرفتن نظرات توده مردم، اجماع و اقناع در انتخاب مسئولین تشکل ها و پرهیز از نخبه گرایی
- سازمان دهی اتحادیه و شبکه تشکل های جوامع بومی و محلی در سطوح محلی و ملی
- شکل گیری کمیته های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی متناسب با هر منطقه با مشارکت مردم محلی



*ظرفیت سازی و توانمندسازی

- افزایش ظرفیت و توانمندی گروه های دولتی و غیردولتی در اجرای طرح های توسعه مشارکتی با جوامع بومی و محلی
- افزایش ظرفیت گروه های ذیحق و ذینفع در برنامه ریزی مشارکتی طرح های مربوط به جوامع بومی و محلی از طریق
- تبیین وضعیت قبلی، فعلی، چشم انداز آینده مطلوب، نقشه راه و برنامه اقدام
- افزایش قدرت تحلیل در شناسایی مشکلات، تحلیل رابطه علت و معلولی بین مشکلات و تبیین راه حل های مشارکتی
- تسهیلگری جهت حضور جوامع بومی، و محلی برای حضور در رویدادهای محلی، ملی و بین المللی
- احترام به دانش بومی، ارزش های فرهنگی و اجتماعی جوامع و تلفیق آن با دانش نوین در مدیریت امور
- وارد کردن ظرفیت های بومی و پرورش توان ها و استعداد های درون جوامع بومی و محلی به عنوان تسهیلگران محلی
- ایجاد احساس تعلق در جوامع و جلب مشارکت آن ها در برنامه ریزی، مدیریت، اجرا و نگهداری طرح های خود
- ایجاد ظرفیت در تشکل های جوامع جهت انتشار خبرنامه و بولتن محلی جهت ارتباط با تمام لایه های جامعه، جلب اعتماد عمومی،
- افزایش سطح آگاهی توده ها، تشکیل نشست ها و مجامع عمومی دوره ای
- تغییر در قوانین، مقررات، سیاست ها و برنامه ها (ساختاری- مدیریتی)
- ایجاد بسترهای مناسب، جهت نهادینه شدن و رسمیت یافتن فعالیت تشکل های جوامع بومی و محلی در برخورداری از اختیارات
- مدیریتی، اجرایی و تسهیلات محلی و ملی در جهت دستیابی به توسعه پایدار
- وارد کردن تشکل های جوامع بومی و محلی به عنوان پتانسیل های موجود در محل برای اجرای طرح های توسعه ای و حفاظتی به
- عنوان گامی در جهت تحقق واقعی عدالت اجتماعی نه به صورت شعاری
- همسو کردن طرح ها و برنامه های توسعه ای محلی و ملی با نیازهای اولویت دار جوامع بومی و محلی
- تدوین آیین نامه فعالیت تشکل های جوامع بومی و محلی در امور توسعه ای در نظام مدیریت و برنامه ریزی کشور
- رفع مشکلات سیاستی- قانونی به خصوص هماهنگی بین بخشی در سطح کلان و خرد کشوری
- کاهش اختیارات بخش های دولتی از مدیریت، نظارت و اجرا به نقش حمایتی از طریق وضع قوانین مناسب
- اقدام جدی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور در جهت تحقق نظام مدیریت مشارکتی در جوامع محلی
- تغییر در قوانین و مقررات و سیاست ها (اداری- مالی)
- تعیین جایگاه واقعی تشکل های بومی و محلی در نظام بودجه ریزی کشوری و بهره مندی این جوامع از تسهیلات توسعه ای مربوط
- به خود از طریق اصلاح ساختار نظام بودجه ریزی کشور در سطوح مختلف
- تمرکززدائی در برنامه ریزی و طراحی پروژه ها به صورت نسخه های از پیش تعیین شده در سازمان های دولتی و اولویت بخشی به
- طرح ها و پروژه های جوامع بومی و محلی در حل مشکلات

*نقش ها و وظایف

- کاهش تصدی گری سازمان های دولتی و افزایش نقش حمایتی آن ها در تامین منابع مالی، حمایت های قانونی، حقوقی، امنیتی و
 - زیرساختی در توسعه مربوط به جوامع بومی و محلی
 - واگذاری امور به تشکل های محلی به جای پیمانکاران بیرونی و کاهش نقش دولت به عنوان کارفرما و کارگذار مطلق
 - واگذاری حفاظت از عرصه های منابع طبیعی (جنگل و مرتع و...) به ذیحق های بومی طی یک فرایند مشارکتی
- #### *اصول اخلاقی

- توجه به سه اصل کار با مردم: مشارکت در تصمیم گیری، سهیم کردن در مسئولیت و دارا بودن اختیار
- اعتقاد و اعماد مدیران به تشکل های بومی و محلی و توان آنها در مدیریت امور
- داشتن صبر، حوصله و زمان کافی در انجام طرح های مشارکتی با مردم
- پرهیز از تشکل سازی ابزاری در طرح ها برای اجرای برخی از امور و سپس رها کردن آن تشکل ها
- شفافیت و پاسخگویی در فرآیند برنامه ریزی و تصمیمات و احترام به نقش جوامع محلی در تعیین سرنوشت خویش
- صداقت، شفافیت، پاسخگویی و دوری از افراط و تفریط در کار با مردم حل مشکلات جوامع به صورت اساسی و پرهیز از تفکر
- مسکنی و کاهش درد.



نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در روند نوین برنامه ریزی توسعه، مفاهیم برنامه ریزی هدایت شده و متمرکز رنگ باخته و به کارگیری رویکردهای توسعه مشارکتی با تاکید بر سرمایه اجتماعی و نهادهای محلی و ساختارهای عرفی و بومی در اجرای برنامه های توسعه اهمیت یافته است. لذا دستیابی به فرایندی که بتواند تعامل مناسبی بین سازمان های حامی توسعه و جوامع روستایی ایجاد کند، ضروری است. بدیهی است که تحقق و اجرایی شدن این پیشنهادها مستلزم تحولی نوین و دگرگونی اساسی در ساختارهای مدیریت و برنامه ریزی کشور است که شامل تغییرات اساسی در قوانین، ساختار اقتصادی و اداری، ظرفیت سازی در گروه های سیاستگذار، عاملان توسعه دولتی و جوامع روستایی می باشد.

فهرست منابع

- سکاکی، س. (۱۳۸۷). مدیریت مشارکتی. پیک نور، سال ششم، شماره اول، صفحات ۱۶۲-۱۵۹.
- مالکی، ح. (۱۳۶۹). مشارکت. وزارت جهاد کشاورزی، تهران.
- رضوانی، م. (۱۳۸۷). مقدمه ای بر برنامه ریزی توسعه روستایی در ایران، قومس، تهران.
- قالیباف، م. (۱۳۸۷). تاثیر ابعاد سرمایه اجتماعی بر امنیت مرزها، مطالعه موردی: بخش مرزی نوسود شهرستان پاوه استان کرمانشاه، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۴، شماره ۲، صفحات ۵۰-۲۵.
- الوانی، م. و شیروانی، ع. (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی (مفاهیم، نظریه ها و کاربردها)، انتشارات مانی.
- صالحی، ا. و مهرعلی زاده، ی. (۱۳۸۹). تغییرات بازار کار، توسعه، آموزش عالی و سرمایه اجتماعی دانشگاهی، مجله جامعه شناسی ایران، دوره هفتم، شماره ۱، صفحات ۳۰-۲۹.
- ازکیا، م. و فیروز آبادی، ا. (۱۳۸۲). سرمایه اجتماعی و نقش آن در شکل های تولیدی "مجله جامعه شناسی ایران، دوره پنجم، ۴، صفحات ۷۲-۴۹.
- مدنی کهرخی، س. (۱۳۸۲). پیامدهای جنسیتی تخریب سرمایه اجتماعی، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۳، شماره ۵.
- پاتنام، ر. (۱۳۸۰). دموکراسی و سنت های مدرن. ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: انتشارات سلام. چاپ اول.
- سنستا (موسسه توسعه پایدار و محیط زیست) (۱۳۸۷). طرح پیشرفت کار طرح مردمی کردن نظام تحقیقات کشاورزی، تهران.
- Borrini, F. (۲۰۰۰). Co-management of Natural Resources: Organising, Negotiating and Learning-by-Doing. GTZ and IUCN, Kasperek Verlag, Heidelberg (Germany) ۲۰۰۰.
- Fuchs, S. (۲۰۰۲). A decline in social capital? The German case. In Putnam, Robert (ed.) Democracies in Flux: The Evolution of Social Capital in Contemporary Society. New York: Oxford University Press.
- Boix, C. (۱۹۹۸). Social capital: explaining its origins and effects on government performance. British Journal of Political Sciences. Vol. ۲۸, No. ۴.
- Knack, S. (۲۰۰۲). Social Capital. Growth and Poverty: a Survey of Cross Country Evidence.
- Krishna, A & Uphoff, N. (۲۰۰۲). Mapping and Measuring Social Capital through Assesment of Collective Action to Conserve and Develop.